

تحلیل فضایی جرایم مرتبط با ساخت و تولید مشروبات الکلی

در شهر جدید هشتگرد

علیرضا بزرگوار^۱، حافظ مهدنژاد^۲، زهرا تمجدی*^۳

۱- دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری از پژوهشکده شاخص پژوه، alirezabozorgvar@yahoo.com

۲- دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری از دانشگاه تهران، H.mahdnejad@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری شهرسازی از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، Zhrtamjidi_arch@yahoo.com

چکیده

نتایج تحقیقات مختلف بیانگر آن است که جرایم به صورت خوشه‌ای در بخش‌های کوچکی از شهرها اتفاق می‌افتد. بر همین اساس در پژوهش حاضر به تعیین کانون‌های جرایم مرتبط با شرب خمر و جرایم مرتبط با تهیه، ساخت، خرید و فروش مشروبات الکلی در شهر جدید هشتگرد پرداخته شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین کانون‌های تمرکز این جرایم از بیضی انحراف معیار و مرکز میانگین در محیط GIS استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مرکز میانگین کانون‌های جرایم مذکور بر فازهای ۴ و ۷ منطبق است. چنانچه بیش از ۷۰٪ جرایم شرب خمر در فازهای مذکور اتفاق افتاده است. بیش از ۷۵٪ جرایم مرتبط با ساخت و تهیه مشروبات الکلی در فازهای ۴ و ۷ اتفاق افتاده و به تقریب ۲۵٪ نیز در فازهای ۱ و ۲ رخ داده است. یافته‌های پژوهش با نظریه نیومن و تاحدی نظریه پنجره‌های شکسته شده و نابسامانی اجتماعی انطباق دارد.

واژه‌های کلیدی: کانون جرم‌خیز، شرب خمر، مسکن مهر، شهر جدید هشتگرد

۱- مقدمه

جرم مشخصه همه جاگستر تمام شهرهای مدرن است، در عین حال همه محله‌های شهری به‌طور یکسان از آن تاثیر نمی‌پذیرند (۱). حجم عظیمی از تحقیقات نشان می‌دهند که جرم و بزهکاری در مکان‌های خاصی بنا به دلایلی اتفاق می‌افتد. بر همین اساس در سال‌های اخیر توجه زیادی به شناخت «جرم و مکان» شده است. به نظر می‌رسد امروزه بیش از هر زمان دیگری، تمرکز بر جغرافیا، قلمرو و «نقاط و خطوط روی نقشه» در مطالعه الگوهای جرم و علل وقوع جرم به عنوان یک رکن اساسی در هر نظریه‌ای مورد توجه قرار گرفته است (۲ و ۳). به تقریب همه چیز به نوعی با «مکان» ارتباط دارد و جرم از این قاعده مستثنی نیست: رفتار ضد اجتماعی نیز باید در در طیف مکانی-زمانی اتفاق بیفتد. به همین دلیل، هم اکنون جرم‌شناسان به‌طور گسترده‌ای این موضوع را پذیرفته‌اند که توجه باید به محیط‌های کالبدی، اکولوژیکی و روزمره متمرکز باشد که جرم و بزهکاری در آن اتفاق افتاده است (۴ و ۵). بسیاری از صاحب‌نظران از جمله اک، چینی، کامرون، لایتتر، و ویلسون^۱ (۲۰۰۵) و پینچ و هیل^۲ (۲۰۱۰) معتقداند جرم به ندرت به صورت تصادفی یا به‌طور مساوی در فضا توزیع می‌شود؛ برای مثال برخی از مناطق نسبت به سایر مناطق دارای جرم و جنایت بیشتری هستند و برخی از مناطق دارای انواع مختلفی از جرم و بزهکاری نسبت به دیگر مناطق باشند. شناسایی مناطق با جرم بالا یا کانون‌های جرم خیز نقش مهمی در این موضوع ایفا می‌نماید که چگونه آژانس‌های اجرای قانون به جرم در مناطق مساله‌دار بپردازند. برای اهداف استراتژیک و حل مساله، شناسایی مناطق جرم‌خیز می‌تواند برای توسعه و ارزیابی واکنش‌های پلیس و آزمون جابجایی فضایی یا پخش مزایا مفید باشد. برای اهداف تاکتیکی، تحلیل کانون‌های جرم‌خیز می‌تواند نشانه‌ای از وجود الگوی جرم یا کمک به آژانس‌های اجرای قانون برای اولویت‌بخشی بهتر و تخصیص منابع به مناطق خاص باشد. مجمع بین‌المللی تحلیل‌گران جرم^۳ (۲۰۱۱) چنین به تعریف کانون‌های جرم خیز پرداخته است: «گروهی از جرم‌های مشابه مرتکب شده بوسیله یک یا بیش از یک فرد در مکان

¹Eck, Chainey, Cameron, Leitner, & Wilson

²Paynich & Hill

³International Association of Crime Analysts